

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری

دکتر اسماعیل اسلامی*

دکتر محمدرضا زمان احمدی**

نیره‌السادات همزه عراقی***

چکیده

قرآن منبع لایزال الهی است که بهترین زیبایی‌های ادبی را در خود جای داده و هر چه دربارهٔ مبحث زیبایی‌شناسی آن صحبت کنیم باز هم قطره‌ای است از دریای بیکران. یکی از جنبه‌های زیبایی‌شناسی قرآن، تلمیحات به کار رفته در آن است که شاعران مسلمان با تأثیر از این کتاب الهی، بسیاری از تلمیحات را در اشعار و آثار خود به کار برده‌اند و بر زیبایی اشعارشان افزوده‌اند. محمدمهدی جواهری شاعر مسلمان، متعهد، نوگرا و نام‌آشنای معاصر عرب از این گروه است که با به کار گرفتن آرایهٔ بدیعی تلمیح، دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خود را منعکس و تبیین نموده است. از این رو در تحقیق حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، تلمیحات قرآنی محمدمهدی جواهری از جنبهٔ زیبایی‌شناسی بررسی و تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جواهری عمیقاً تحت تأثیر آموزه‌های قرآنی بوده و تلمیحات قرآنی بازتاب گسترده‌ای در دیوان اشعارش داشته است. وی به شیوه‌های گوناگونی چون: استفاده از مفردات و ترکیبات، کاربرد شخصیت‌ها، حوادث و اندیشه‌های قرآنی، هم به صورت لفظی و هم معنایی از این تلمیحات بهره گرفته است. تلمیحات قرآنی او نقش عمده‌ای در تبیین افکار و اعتقادات شاعر داشته است. در واقع با خواندن اشعار جواهری تأثیر سبک قرآنی بر زیبایی ادبی سروده‌های وی به خوبی مشهود است.

واژه‌های کلیدی

زیبایی‌شناسی، قرآن، تلمیحات قرآنی، محمدمهدی جواهری، دیوان اشعار.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جیرفت، جیرفت، ایران. (نویسندهٔ مسؤول)

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران.

*** دانش‌آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۴

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

زیبایی‌شناسی هنری یکی از شاخه‌های نقد ادبی است که به بررسی جنبه‌های زیبایی یک اثر می‌پردازد. در میان انواع هنرها شعر بیش از دیگر هنرها با خواننده ارتباط برقرار می‌کند؛ به این دلیل که هنری کلامی است و در قالب زبان آرایه می‌شود. در بحث زیبایی‌شناسی شعری می‌توان «هر عنصری را در شعر به این عنوان که آیا توانسته شعر را در رسیدن به هدف اصلی اش کمک کند ارزیابی کنیم.» (پرین، ۱۳۷۳: ۱۰۳). یکی از عناصر قابل بحث در زیبایی‌شناسی شعری مبحث تلمیح است.

واژه تلمیح در عربی مصدر باب تفعیل و از ریشه «لَمَحَ، يَلْمَحُ، لَمْحًا و لَمْحَانًا» و به معانی نگاه کردن، اشاره کردن، درخشیدن، نظر و نگریستن کوتاه و شتاب‌زده (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۰۶ق: ذیل واژه لمح) و در فارسی در معانی گوناگونی چون نمودن و آشکارکردن، نگاه سبک کردن به سوی چیزی، اشاره کردن به چیزی، نگاه و نظر، خیال و تصور (دهخدا، ۱۳۲۵: ذیل واژه تلمیح) به کار رفته است. تعریف تلمیح و مفهوم آن در اکثر منابع بلاغی عربی شبیه به هم است. به عنوان مثال علوی در الطراز می‌نویسد: «أَمَّا التَّلْمِيحُ فَهُوَ أَنْ يُشَارَ فِي فَحْوَى الْكَلَامِ إِلَى قِصَّةٍ أَوْ شِعْرٍ أَوْ مَثَلٍ سَائِرٍ مِنْ غَيْرِ ذِكْرِهِ» (۱۳۳۲ق: ۴۸۰) که با تعریف آن در منابعی چون المطول (تفتازانی، بی‌تا: ۴۷۵)، الايضاح (خطیب قزوینی، ۱۴۲۴ق: ۳۲۰) تا منابع متأخر عربی همچون معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها (مطلوب، ۱۴۰۶: ج ۳/۲، ۳۴۴)، عیناً تکرار شده است و بعدها به منابع بلاغی فارسی راه یافته است.

این آرایه معنوی در محدوده علم بدیع قرار می‌گیرد که اهل فن آن را چنین تعریف می‌کنند: «تلمیح آن است که شاعر یا نویسنده در ضمن سخن خود، به قصه و داستان، آیه و حدیث، واقعه، شرح حال مشخص، مَثَل و شعری مشهور اشاره کند.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۷۶).

دایره تلمیحات پنج حوزه کلی را در بر می‌گیرد: تلمیحات مرکزی، قرآنی، دینی، اساطیری،

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمد مهدی جواهری □ ۵۱

تاریخی. تلمیحات قرآنی آن است که به قصه‌های به زندگی پیامبران و یا وقایع و مضامین مهم ذکر شده در قرآن اشاره می‌کند. لازمه دریافت مفهوم بیتی که ساختار تلمیحی دارد، این است که شنونده و خواننده از قبل با اصل داستان، افسانه، حدیث و... آشنایی داشته باشد. شاعران با به کار بردن این آرایه در اشعار خود ضمن بیان غراض و اهداف، بر زیبایی سروده‌هایشان می‌افزایند. محمد مهدی جواهری شاعر معاصر عراقی یکی از این شاعران است که با به کار گرفتن تلمیحات قرآنی در دیوان پربار خویش سروده‌هایش را برجسته نموده و زیبایی آن‌ها را چند برابر نموده است. در این پژوهش برآنیم به زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی محمد مهدی جواهری پردازیم و به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- تلمیحات قرآنی به کار رفته در سروده‌های محمد مهدی جواهری چگونه است؟

- شاعر چه از چه شیوه‌های در بیان تلمیحات قرآنی استفاده نموده است؟

- شاعر از چه شیوه‌هایی در زیباتر نمودن این تلمیحات سود جسته است؟

برای رسیدن به این منظور ابتدا تلمیحات قرآنی دیوان اشعار محمد مهدی جواهری استخراج و سپس شیوه‌های کاربرد تلمیحات قرآنی و راهکارهای شاعر در زیبا نمودن این تلمیحات بررسی و تحلیل شد.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق به تمام منابعی گفته می‌شود که با موضوع مورد بررسی و هدف‌های تحقیق، ارتباط دارند و محقق به آن‌ها مراجعه می‌کند؛ از این رو به پژوهش‌های مرتبط با موضوع این جستار، یعنی بررسی‌های قرآنی انجام شده در آثار محمد مهدی جواهری اشاره می‌شود:

علی اکبر مرادیان و همکاران، در پژوهشی با عنوان «تأثیر موسیقایی فواصل قرآن بر ساختار قوافی اشعار جواهری»، که در سال ۱۳۹۱ در فصلنامه لسان مبین به چاپ رسیده، به بررسی تأثیر موسیقی و آهنگ و وزن الفاظ و فواصل آیات سوره‌های قرآنی در بعضی از اشعار وی به خصوص در ساختار قصاید و نظام قافیه‌ها هم در حوزه لفظ و هم وزن و هم آهنگ آن‌ها

۵۲ زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمد مهدی جواهری

پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جواهری از آن دسته از شاعرانی است که قرآن کریم بر حیات شعریش تأثیر گذاشته، تا آنجا که ساختار، آهنگ و موسیقی اشعارش از قرآن اثر پذیرفته است. همین نویسندگان در پژوهشی دیگر با عنوان «بازتاب داستان قرآنی حضرت موسی (ع) در اشعار محمد مهدی جواهری» (۱۳۹۴)، داستان‌های حضرت موسی را که در اشعار وی منعکس شده است، حاصل بررسی نشان داد که جواهری از حوادث و معجزات مربوط به دوران زندگی حضرت موسی (ع) در شعر خود به عنوان نمادهایی برای مبارزه با ظلم و ستم استفاده کرده و آن‌ها را در قالبی نوین و مناسب با مقتضیات زمان و در راستای رسالت خویش به کار گرفته است. که جواهری از حوادث و معجزات مربوط به دوران زندگی حضرت موسی (ع) در شعر خود به عنوان نمادهایی برای مبارزه با ظلم و ستم استفاده کرده و آن‌ها را در قالبی نوین و مناسب با مقتضیات زمان و در راستای رسالت خویش به کار گرفته است. نسرین نظری تلوکی و همکاران نیز در مقاله «بینامتنی قرآن در اشعار محمد مهدی جواهری و فرخی یزدی با رویکرد تطبیقی» که در همایش ملی بینامتن (التناص) در سال ۱۳۹۳، میزان اثرگذاری این کتاب مقدس را بر ساختار ظاهری و درونی ابیات این دو شاعر بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که دو شاعر با به کار گیری کل آیه یا جزئی از آن و نیز اقتباسات مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر قرآن بودند و در نهایت کبری بارانی و اسماعیل اسلامی در پژوهش خود با عنوان «تحلیل و بررسی برجسته‌ترین جلوه‌های قرآنی در اشعار محمد مهدی جواهری و قیصر امین‌پور» که در سال ۱۳۹۶ در فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، به چاپ رسیده، به واکاوی انواع جلوه‌های قرآنی در شعر دو شاعر معاصر مسلمان، محمد مهدی جواهری و قیصر امین‌پور و اثرپذیریشان از قرآن کریم که به شیوه‌های بهره‌گیری مستقیم و غیر مستقیم از این کتاب آسمانی بوده، پرداخته‌اند.

با توجه به پیشینه ذکر شده می‌توان دریافت که مقالات انجام شده راجع به تأثیرپذیری جواهری از قرآن بسیار است؛ اما تاکنون درباره تلمیحات قرآنی اشعار جواهری و زیبایی‌شناسی آن پژوهشی انجام نشده، از این رو جستار حاضر کاری نو و ارزشمند است.

نگاهی گذرا به زندگی و آثار محمد مهدی جواهری

محمد مهدی جواهری در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۱۷ق، در خانواده‌ای اهل علم و نامدار در نجف اشرف به دنیا آمد (محبوبه، ۱۹۸۶م: ج ۲/ ۱۳۶). پدرش، عبدالحسین، از نوادگان شیخ محمدحسن نجفی بود. اولاد و نوادگان شیخ، نام خانوادگی خود را، «جواهری»، «صاحب جواهر» و «جواهر کلام» برگزیده‌اند (عطیه، ۱۹۹۸م: ۶). جواهری از سن پنج سالگی قرآن را در مکتب‌خانه و خواندن و نوشتن را نزد برادر بزرگش که عبدالعزیز نام داشت آموخت. او دارای حافظه‌ای عجیب بود (میشال، ۱۹۹۹م: ۲۸۹). محمد مهدی در نوجوانی همراه برادر بزرگ‌ترش در یکی از حوزه‌های علوم دینی نجف به تحصیل پرداخت و لباس روحانیت بر تن کرد؛ اما پس از مرگ پدرش، تحصیلات حوزوی و لباس روحانیت را کنار گذاشت. در هجده سالگی نخستین شعرش را با نام مستعار در روزنامه العراق به چاپ رساند و به دلیل استحکام اشعارش خیلی زود جای خود را در میان خوانندگان باز کرد (عطیه، ۱۹۹۸م: ۸)؛ زیرا او شعر را به عنوان مؤثرترین وسیله برای بیداری مردم و مبارزه با جهل و عقب افتادگی و مبارزه با زورگویان مسلط بر اجتماع و دفاع از حقوق به تاراج رفته درماندگان و مردم عادی یافت و در این وادی پرخطر گام گذاشت (یحیی، ۲۰۰۱م: ۱۳۱). شهرت جواهری در دهه ۳۰ میلادی، از مرزهای عراق فراتر رفت و در کشورهای عربی مانند سوریه و لبنان و مصر به اغلب مناسبت‌های ادبی و شب‌های شعر و تجلیل از پیشروان شعر و ادب مانند ابوالعلاء معری و بحتری و سایر بزرگان دعوت می‌شد و در بسیاری از موارد، او اولین سخنران و شاعر بود؛ ولی او سیاست استعماری و تیره‌بختی مردم و فساد حاکمان را، حتی در این مناسبت‌ها فراموش نمی‌کرد و به صورتی تند و خشن بیان می‌کرد (الموافی، ۲۰۰۷م: ۷۳). جواهری بقیه عمر پرفراز و نشیبش را با سربلندی و افتخار در سوریه ماند تا به دجله و فرات و نخلستان‌ها و کوهستان‌های عراق که الهام‌بخش شعر او بودند نزدیک باشد. جواهری با شعر، متعالی شد و شعر را به اوج رسانید. ادبای عرب، او را خداوند شعر، نابغه شعر و... خواندند و محمود درویش شاعر نامدار فلسطین، او را رودخانه سوم عراق خواند (الجواهری، ۱۹۷۲م: ۴۸). این شاعر و مبارز برجسته عراقی «در سال ۱۹۹۷م در سن ۸۹ سالگی درگذشت» (العریس، ۱۹۹۸: ۱۶).

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی محمد مهدی جواهری

انواع تلمیحات قرآنی جواهری

تلمیح به شخصیت‌ها و حوادث قرآنی از اثرپذیری‌های شعرا از آیات قرآن می‌باشد. در واقع می‌توان گفت در این روش شاعر با استفاده از آرایه تلمیح به شخصیت‌های قرآنی و حوادث گوناگون اندیشه و تجارب شخصی خود را به تصویر می‌کشد. البته این شخصیت‌ها هم می‌تواند شخصیت پیامبران باشد و هم دیگر شخصیت‌ها. همان‌گونه که جواهری شخصیت‌هایی چون جبرئیل، قارون، ابولهب و... را به کار برده است. که دیگر شخصیت‌های قرآنی در آثار جواهری هم مشتمند و هم منفی.

تلمیح به شخصیت‌های قرآنی

حضرت موسی کلیم الله از بزرگ‌ترین پیامبران بنی اسرائیل است که شرح سوانح زندگی و رسالت او بیش از هر پیامبر دیگری در قرآن یاد شده است. نام این حضرت ۱۳۶ بار در قرآن آمده است (خرمشاهی، ۱۳۷۱: ۱۸۷). حضرت موسی (ع) و تلمیحات به داستان زندگی او از پرکاربردترین تلمیحات قرآنی است که در دیوان جواهری هم دیده می‌شود.

رَبُّ «صِهْيُونِ» عَجَلٍ صَبَغَ مِنْ ذَهَبٍ وَ رَبُّ مُوسَى كَأَلْوَابِ لَهُ رِمَمٍ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۲۵۵)

که جواهری در این بیت از آیه: «وَأَتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ» (سوره اعراف / آیه ۱۴۸) الهام گرفته است. او در مصرع اول این بیت:

إِلَّا قَبْسًا مِنْ شُعَاعِ الْكَلِيمِ تُعِيدُ عَلَى الشَّرْقِ يَا «طُورَ سَيْنَا»^۲

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۳۵)

۱- ترجمه: پروردگارا، صهیونیست‌ها گوساله‌ای از طلا را می‌پرستند و قوم موسی تابلوهای پوسیده را.

۲- ترجمه: مگر قسمتی از نور حضرت موسی که بر شرق یا بر طور سینا برگردد.

«طُورَ سَيْنَا» را از آیات ۷-۹ سوره نمل و آیه ۲۹ سوره قصص گرفته است.

«ماجرای حضرت موسی (ع) در کوه طور و رؤیت آتش، گوساله پرستی و گمراهی قوم بنی اسرائیل توسط سامری و معجزات آن حضرت» (مرادیان قبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۳) مواردی است که جواهری در تلمیح به داستان حضرت موسی (ع) به آن‌ها اشاره نموده است. اودی بِحُسَّادِهِ غِيضًا كَأَنَّ بِيَهُ «محمد» و بشانیه «أَبَا لَهَبٍ»^۱ (دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۱۰)

شاعر در این بیت برای نشان دادن موضوع حسادت حاسدان از تلمیح کمک می‌گیرد. بیت اشاره دارد به ابولهب عمومی پیامبر (ص) که یادآور آیه: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» (سوره مسد / آیه ۱) است.

جواهری در بیت زیر به داستان فرعون اشاره کرده است. علت اینکه به فرعون مصر، لقب (ذی الأوتاد) را دادند، این بوده که او هنگام شکنجه افراد، دست‌ها و پاهای افراد را با چهار میخ به زمین می‌چسباند، و بعد آن‌ها را شکنجه می‌کرد که جواهری عبارت «فِرْعَوْنُ ذُو الْأُوتَادِ» را از آیه ۱۰ سوره فجر و آیه ۱۲ سوره ص برداشت نموده است:

نَمَّامُ الرَّشِيدُ عَنِ الْعِرَاقِ وَمَا دَرَى عَنِ مِصْرِهِ، فِرْعَوْنُ ذُو الْأُوتَادِ^۲
(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۷۱)

جبرئیل و حضرت عیسی (ع) از دیگر شخصیت‌هایی هستند که جواهری در تلمیحات خود به کار برده است.

هَلْ مَدَّ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى رُوحَهُ أَمْ كَانَ يَنْفُثُهَا بِهِ جَبْرِيْلُ^۳
(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۳۳۶)

۱- ترجمه: از عصبانیت، حسودان خود را به هلاکت کشاند، گویی برای محمد (ص) قرار دارد و بر سرزنش کنندگان او «ابولهب».

۲- ترجمه: رشید از عراق آسوده خوابید و ندانست که در مصر، فرعون «صاحب میخ‌ها» در حال حکومت است.

۳- ترجمه: آیا خداوند روح حضرت عیسی (ع) را از روح خود به او ارزانی داشته است، یا جبرئیل آن را به او داده است.

او در کاربرد این شخصیت‌ها آیات ۱۷ سوره مریم، ۱۲ سوره تحریم و آیه ۹ سوره سجده را مد نظر داشته است و لفظ رُوحِ اللَّهِ را از «... وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْئِسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ...» که بخشی از آیه ۸۷ سوره یوسف است، گرفته است.

هابیل و قابیل دو پسر حضرت آدم از شخصیت‌های مورد توجه جواهری بودند. او در بیت
مِنْ عَهْدِ قَابِيلٍ وَكُلُّ ضَحِيَّةٍ رَمَزُ اصْطِرَاعِ الْحَقِّ وَالْأَهْوَاءِ
(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۲۱۷)

به موضوع حق و باطل اشاره می‌کند که همیشه قربانیان زیادی داده است و داستان هابیل و قابیل را به عنوان نمونه‌ای از نزاع حق و باطل می‌آورد.

خداوند هابیل را وصی آدم بر روی زمین قرار داد و اسم اعظم را به او آموخت و قابیل برادر بزرگ‌تر بود که خود را از هابیل سزاوارتر می‌دانست. بنا شد که هر کدام یک قربانی تقدیم کنند و از هر کس که قبول شد او وصی حضرت آدم (ع) شود. به خاطر اخلاص و تقوای هابیل، قربانی از او پذیرفته شد. قابیل که از این رویداد سخت ناراحت شده بود، برادرش هابیل را کشت. جواهری در این بیت این بیت اشاره دارد به آیه ۲۷، سوره مائده: «... قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» و تأکید او بر این است که هابیل و قابیل، اولین قربانیان جهان، یکدیگر را بر سر حق و باطل به قتل رساندند؛ بنا بر این شاعر در این بیت می‌خواهد بگوید که همیشه در میدان‌های مبارزه حق و باطل، جبهه حق برای تقویت خود قربانی داده است.

قارون شخصیت قرآنی دیگر است که همیشه نام او با گنج همراه است. جواهری نیز در سروده
أَقُولُ لَوْ كُنْتُ قَارُونَ وَقَدْ عَلِمْتُ كَفَّأَى أَنْ لَيْسَ يُجَدَى كُنْتُ قَارُونَ^۲
(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۱۰۱)

۱. ترجمه: از زمان قابیل هر قربانی، رمزی بوده است از دیگری؛ یعنی حق و باطل.

۲. ترجمه: می‌گویم اگر گنج قارون را در اختیار داشتیم، حال آنکه دست‌انم می‌دانند، گنج قارون نیز فایده‌ای به حالم ندارد.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری □ ۵۷

با توجه به معنای آیات ۷۶ و ۷۹ سوره قصص به گنج قارون اشاره می‌کند و این که حتی گنج عظیم قارونی هم به کار او نمی‌آید و فایده‌ای برایش ندارد.

حضرت یونس (ع) یا ذُو النُّون از پیامبران الهی بود که تلمیح به داستان افتادن آن حضرت در شکم ماهی در دیوان جواهری دیده می‌شود. آنجا که شاعر می‌گوید:

الضَّارِعِينَ لِأَقْدَارٍ تُحِلُّ بِهِمْ كَمَا تَلَوَّى بِبَطْنِ الحُوتِ ذُو النُّونِ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۸۸)

این بیت اشاره‌ایست به آیات ۱۴۲-۱۴۴ سوره صافات که خداوند می‌فرماید: «فَالْتَقَمَهُ الحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ * فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» که شاعر در این بیت مخاطبان را به صبر و شکیبایی در برابر قضا و قدر فرا می‌خواند.

تلمیح به حوادث قرآنی

اشاره به حوادث قرآنی، از اسلوب‌های بهره‌مندی از تلمیحات قرآنی برای بهتر به تصویر کشیدن تجارب شخصی شاعر است.

یکی از حوادث مهمی که دستمایه تلمیحات دینی شاعران بوده، حادثه قیامت است که محمدمهدی جواهری هم از این امر مستثنی نبود و تلمیحات و اشاراتی به این حادثه عظیم داشته است. آنجا که گفته:

اليَوْمُ يَنْشُرُ لِلْحَسَابِ كَنَابِكُمْ فِي مَوْطِنِ جَمْعِ الْحَسَابِ فَدَوِّنَا

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۳۰۳)

شاعر در این بیت از آیات ۱۳-۱۴ سوره اسراء، ۶۱ سوره یونس، ۷ و ۱۸ سوره مطففین، ۱۰ سوره تکویر و ۱۳ سوره اسراء الهام گرفته است.

۱- ترجمه: کسانی که به خاطر قضا و قدری که به آنها رسیده است، ناتوان شده‌اند، همانند ذوالنون که در شکم ماهی به خود پیچیده و ناتوان شده بود.

۲- ترجمه: امروز روزی است که دفتر اعمال شما برای حسابرسی باز می‌شود در حالی که تمامی اعمال و حساب شما نوشته و تدوین و جمع‌آوری شده است.

هدف شاعر از بیت مذکور این است که همه اعمال انسان با جزئیات در نامه اعمال او ثبت می‌شود و در روز رستاخیز نامه اعمال نیکوکاران در دست راست آنان و نامه بدکاران در دست چپ آنان قرار خواهد گرفت. او در سروده‌ای دیگر قیامت را روزی می‌داند که نصاب‌ها در آن کامل خواهد شد و از آدمیان می‌خواهد که تا آن روز منتظر بمانند.

أَطْبِقُ إِلَى يَوْمِ الثُّمُورِ وَيَوْمَ تَكْتُمُ اللَّصَابُ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۴۰۹)

و این بیت تلمیحی است از آیه ۱۰۳، سوره هود: «... ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ» و آیات ۴۹-۵۰ سوره واقعه.

وَقَدْ نَفَضَ الْكَهْفُ عَنْ أَهْلِهِ غُبَارَ السِّنِينَ وَوَعَثَ الْبَلَى^۲

(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۲۰۸)

از دیگر حوادث یاد شده در قرآن که در دیوان جواهری نیز مشاهده شده، ماجرای اصحاب کهف است. جواهری تلمیح به این داستان را به زیبایی در سروده زیر آورده و گفته:

وَقَدْ نَفَضَ الْكَهْفُ عَنْ أَهْلِهِ غُبَارَ السِّنِينَ وَوَعَثَ الْبَلَى^۳

(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۲۰۸)

که این بیت اشاره‌ای است به آیات ۱۲ و ۱۱ سوره کهف، که داستان اصحاب کهف را بیان می‌کند: «فَضَرْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاَهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا» و نیز آیه ۲۵ این سوره: «وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا».

تلمیح به اندیشه‌های قرآنی

این نوع تلمیحات به گونه‌ای است که شاعر یا نویسنده با الهام از یک آیه قرآنی و دریافت

۱- ترجمه: بخواب تا روز قیامت و روزی که نصاب‌ها کامل خواهد شد.

۲- ترجمه: غار، از یاران خود، گرد و غبار سالیان دراز و کهنگی و پوسیدگی را برداشت و پاک کرد.

۳- ترجمه: غار، از یاران خود، گرد و غبار سالیان دراز و کهنگی و پوسیدگی را برداشت و پاک کرد.

و درک مضمون، آن را با ذوق و قریحه خود بیان می‌کند؛ به نحوی که خواننده لفظی را عیناً حس نمی‌کند و یا ذکری صریح را نمی‌بیند. نظر به محوریت ایده و اندیشه قرآنی در این نوع، تابع شکل و قاعده‌ای خاص نیست، هم‌چنین تشخیص کشف آن دشوارتر از دیگر گونه‌ها بوده و اشراف به معانی قرآنی را می‌طلبد (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴).

جواهری نیز از اندیشه‌ها و مضامین قرآنی در اشعارش فراوان بهره گرفته است. مضامینی چون: روز قیامت، مرگ، صفات بندگان پسندیده، فرار و گریز، تبدیل شر و بدی به خیر و نیکی، نهی از منکر، صفات انسان‌های منافق، ویژگی کافران، کشف حقایق در هنگام احتضار، اختیار انسان‌های پست در دست افراد خبیث، زنده شدن مردگان، ناپایداری و بیهودگی دنیا، روزی بخشی خداوند، پاک بودن اهل بیت پیامبر، امید به رحمت خداوند، مسئول بودن انسان در قبال کارهایش، یگانگی خداوند، آگاهی خدا از اعمال انسان‌ها، استمداد انسان‌های غنی از فقرا، تعصب در دین، آفرینش انسان و...

یکی از اندیشه‌های مهم هر انسانی موضوع مرگ است. در قرآن نیز آیات بسیاری به مرگ اشاره کرده و جواهری نیز به این موضوع اندیشیده است. او در ابیات زیر تأکید می‌کند که از مرگ گریزی نیست و سرانجام همه انسان‌ها روزی مرگ را تجربه می‌کنند.

حَتَّىٰ إِذَا مَا أَجَلُكَ ذَنَّا وَحَآنَ الْمَوَعِدُ
لَم يَنْجِئْهُ مِنَ الرَّدَىٰ حَدِيدُهُ الْمُؤْتَّ
هِيَآتَ يَغِيبُ عَنَّا قَضَاءُ زُبُرٍ مُّصَفَّدُ
مِن بَعْدِ مَا قَدَّ أَبْرَمَ الْأُمَرَ، قَدِيرٌ أَوْحَدُ

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۹۵)

که این قطعه برداشتی است از آیه ۳۴، سوره اعراف و آیه ۸ سوره جمعه. اندیشه راجع به

۱- ترجمه: زمانی که اجل انسان نزدیک شود و موعد آن فرا رسد، آهن و حصار آهنی محکم او هرگز نتوانست او را از مرگ نجات دهد، و هرگز تمامی کتب آسمانی و خوانده شده هم نمی‌تواند او را از مرگ بی‌نیاز نماید، مادامی که خداوند قادر یگانه، مرگ را برای انسان مبرم و مسلم ساخته است.

مرگ در ابیات زیر نیز دیده می‌شود:

أَتَتْهَا فَلَمْ تَمْنَعْ رَدَاهَا خُصُونُهَا وَ لَيْسَ عَنِ الْمَوْتِ الْمُحْتَمُّ دَافِعٌ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۰۴)

حَسْبِي بَلِيَّتٌ بِعَلْبَةٍ إِذْ مَيَّتَةٌ حَسْبِي وَ إِذْ آجَأْنَا بِنَصَابٍ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۳۴۲)

بیهودگی دنیا و ناپایداری آن از دیگر اندیشه‌هایی است که در شعر جواهری دیده می‌شود. بیت زیر، ضمن در برداشتن این مضمون تلمیحی است به آیه ۲۰ سوره حدید، آیه ۳۲ سوره انعام و آیه ۶۴ سوره عنکبوت.

وَ هَلْ هَذِهِ الدُّنْيَا سَبِيلٌ لِعَابِرٍ أَمْ الْأَرْضُ مَهْوَاةٌ الْهُوََالِ كُرٍ^۳

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۲۰)

و یا در این بیت

نَامِي قَمَا الدُّنْيَا سِيْوِي جِسْرٍ عَلَي نَكْدِ مُقَامٍ^۴

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۷۵)

شاعر به فناپذیری دنیا و پایداری آخرت اشاره می‌کند. از نظر او دنیا پلی است که ستون‌ها و پایه‌های آن، سختی‌ها و بدبختی‌هاست که پایه‌هایی سست و متزلزل است. از دیگر تلمیحات جواهری اشاره به موضوع زنده شدن مردگان است که تلمیحی است به

۱- ترجمه: پس آمد و هیچ نتوانست با شوکت و درایتش مرگ را از او دفع کند و هیچ چیز نمی‌تواند بازدارنده از مرگ حتمی باشد.

۲- ترجمه: برای من همین کافی است که با سختی، آزمایش شوم، آنگاه که مرگ قطعی است و اجل‌های ما مشخص و معین شده است.

۳- ترجمه: و آیا این چنین نیست که این دنیا راهی برای گذر است و زمین گودال سقوط انسان‌های گمراه و نابودشدنی است.

۴- ترجمه: بخواب که دنیا جزء پلی نیست که بر سختی‌ها و بدی‌ها افراشته شده باشد.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری □ ۶۱

آیه ۲۶۰ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: «... قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». این بیت جواهری نیز همین مضمون را در بر دارد:

وَتَبَعَتْ حَتَّى رَمِيمِ الْقُبُورِ وَ يَجْمَعُ حَتَّى عِظَامِ الطُّيُورِ^۱
(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۱۴۵)

آفرینش انسان از دیگر اندیشه‌های قرآنی است که بارها در دیوان جواهری به کار رفته است
كَالْنَّاسِ لِلْخُفْرَاتِ مَرْجِعُهُ وَمِنَ النَّطَافِ النَّزْرِ مَوْلِدُهُ^۲
(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۱۵۰)

نَحْنُ مِنْ نُطْفَةِ سِوَى نُطْفَةِ النَّاسِ وَ طَمِينٍ مِنْ غَيْرِ ذَاكَ الطَّمِينِ^۳
(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۱۹۱)

این دو بیت بر خلقت آدمی اشاره دارد. این که خداوند آن‌ها را از ماده‌ای پست و بی‌ارزش آفریده است و تلمیحی است به آیه ۳۷ سوره کهف، آیه ۲ سوره انسان، آیه ۱۳ سوره مؤمنون. جواهری به برانگیخته شدن مردگان در قیامت نیز اشاره می‌کند و می‌گوید:

وَ رَوَاحِيهِمْ رِذَاذًا مِنْكَ يَبْعُثُهُ حَيًّا كَمَا تَبَعَتْ الْمَوْتَى بِمِعَادِ^۴
(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۹۷)

که تلمیحی است به آیات «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَرَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لُمُحْيِ الْمَوْتَى...»

-
- ۱- ترجمه: و همه چیز حتی گورهای متلاشی شده را برانگیزد و تا استخوان پرندگان را گرد آورد.
 - ۲- ترجمه: او نیز مانند مردم که به سوی قبرها باز می‌گردند (بازگشت را به سوی خدا می‌داند) و ولادت آنان نیز از نطفه‌ای کم‌ارزش است.
 - ۳- ترجمه: ما از نطفه‌ای غیر از نطفه مردم و از گلی غیر از گل آن‌ها هستیم.
 - ۴- ترجمه: برگشتنش برای تو، هر چند اندک بود، اما حیات‌بخش بود، مانند حیات‌بخش مجلد برای مردگان در روز محشر.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۰ ❖ تابستان ۱۳۹۸

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

«(سوره فصّلت / آیه ۳۹)؛ «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (سوره بقره / آیه ۵۶)؛

(سوره مریم / آیه ۱۵). «جواهری در سروده زیر با اشاره به آیه تطهیر» (سوره احزاب / آیه ۳۳)،

به پاک بودن پیامبر (ص) و اهل بیت او اشاره می‌کند و می‌گوید:

وَهُوَ إِنْ يَنْتَسِبُ فَمِنْ أَهْلِ بَيْتٍ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ عَارًا وَرِجْسًا

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۳۷)

نحوه تأثیرپذیری جواهری از تلمیحات قرآنی

یکی از شیوه‌های تأثیرپذیری از شاعران از قرآن، کاربرد واژگان و ترکیب‌های قرآنی در اشعار است. در این شیوه اثرپذیری، «شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌های وام‌دار قرآن و حدیث است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند و مستقیم و غیرمستقیم توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادب راه یافته‌اند. از این جا می‌توان گفت: فرهنگ اسلامی و دو سرچشمه جوشان آن، قرآن و حدیث در کنار حقوق بزرگی که بر گردن فرهنگ ایرانی دارد، در باروری و نیروبخشی زبان فارسی و افزایش بار واژگانی آن نیز حقی عظیم و منتهی بزرگ دارد.» (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۵). تأثیرپذیری جواهری شاعر توانمند و خوش ذوق عراقی به دو صورت مفردات و ترکیبات است که در ذیل بررسی می‌شوند:

مفردات

در تأثیرپذیری از مفردات شاعر واژه‌ها و لغاتی را در شعر خود می‌آورد که ریشه قرآنی

۱- ترجمه: او کسی است که اگر خود را معرفی نماید او منسوب به اهل بیت می‌باشد و خداوند تمامی پلیدی‌ها و زشتی‌ها را از او دور ساخت.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری ❏ ۶۳

دارند، به نحوی که اگر قرآن نبود، زبان و ادب از آن واژه‌ها بی‌بهره بود. جواهری از این مفردات فراوان استفاده نموده است. واژگانی چون نُكْرُ، الْمُهْطِعِينَ، الشَّمْسُ، الثُّشُور، سَقَرٍ، لَظِي، صَبِيغٌ، كُوبٌ، جُنْدٌ، عُرْجُونٌ، منقلب، الموت، يَأْسٌ، سندس، المفر، صلصال، صبر و... که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

هَذَاكَ حَيْثُ يَحْوِكُ الْخُلْدُ سُنْدُسَهُ أَمَا الَّذِي حَاكَتِ الدُّنْيَا فَاْمَطَارًا

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۲۷۲)

جواهری در این بیت از «سندس» استفاده نموده که یادآور آیه ۲۱ سوره انسان، آیه ۳۱ سوره کهف و آیه ۵۳ سوره دخان است. واژه «مفر» نیز جزو مفردات تلمیحی دیوان جواهری است که از آیه ۱۱ سوره قیامت گرفته است.

وَمِمَّا يُهَيَّوْنَ وَقَعِ الْجَمَامِ أَنْ لَيْسَ لِلْمَرِيءِ مِنْهُ مَقَرُّ

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۴۷)

«صلصال» از دیگر مفردات به کار رفته در اشعار جواهری است که نمونه آن در بیت زیر دیده می‌شود و جواهری در آوردن این واژه به آیه ۲۶ سوره حجر و آیه ۱۴ سوره الرحمن زیر نظر داشته است:

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبُّ الْمَرْءِ يَخْلُقُهُ صَلْصَالَةً وَهُوَ مِنْ نَارٍ وَمِنْ شَرِّرٍ

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۳۱۶)

و جواهری در آوردن این واژه به آیه ۲۶ سوره حجر و آیه ۱۴ سوره الرحمن زیر نظر داشته است:

شاعر در به کار بردن واژه «صبر» در بیت زیر به آیه ۷۵ سوره فرقان، آیه ۱۱۱ سوره

۱- ترجمه: در آنجا بهشت برین، لباس او را می‌دوزد، اما آنچه را که دنیا می‌بافد، چیزی به جز باران نیست.

۲- ترجمه: آنچه که مرگ را برای انسان آسان‌تر می‌نماید، این است که از مرگ هیچ‌گیزی نیست.

۳- ترجمه: پاک و منزّه است پروردگارت، خدای انسانی است که او را از گل و لای خلق کرده که او از آتش و شرر است.

۶۴ زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمد مهدی جواهری

مؤمنون، آیه ۹۶ سوره نحل نظر داشته است.

صَبْرًا وَإِن مَّالَتِ الْأَسْيَافُ أَغْمِيدَةً إِنَّ الْأُمِينَ عَلَى الْعُقَبَى لَصَبْرًا^۱

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۲۶۷)

و یا در بیت زیر شاعر مخاطبان را به صبر درست و بجا در برابر مشکلات و غم‌ها فرا می‌خواند و می‌گوید:

وَالْمَوْتُ إِنْ لَمْ يَذُدَّهُ حُزْنٌ مُكْتَسِبٌ بِهِ فَأَحْسَنُ مِنْهُ صَبْرٌ مُحْتَسَبٌ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۱۰)

که تلمیحی است به آیه «إنما يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب» (سوره زمر/ آیه ۱۰) و واژه «صبر» بر گرفته از آیه ۱۵۳ سوره بقره، آیات ۱۲۶-۱۲۷ سوره نحل و آیه ۵ سوره معارج است و یا در ابیات

نَاصِي إِلْسِي يَوْمِ النَّشُورِ وَيَوْمِ يَوْمِ يَوْمِ يَوْمِ بِالْقِيَامِ^۳

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۷۳)

أَطْبِقُ إِلْسِي يَوْمِ النَّشُورِ وَيَوْمِ تَكْتُمُ اللَّصَابِ^۴

(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۴۰۹)

شاعر در ابیات فوق در استفاده از واژه «نشور» به آیه ۱۵ سوره ملک و آیه ۹ سوره فاطر نظر داشته که اشاره به روز قیامت است.

۱- ترجمه: صبر پیشه کنید حتی اگر غلاف شمشیر، شمشیر را خسته و ملول کند همانا عاقبت معتقدان به قیامت، خوب است اگر صبر پیشه کنند.

۲- ترجمه: اگر غم و اندوه انسانی که با مرگ اندوهگین شده، مرگ را باز نمی‌دارد [بر طرف نمی‌کند] پس بهتر از آن صبر حساب شده انسان در برابر آن است.

۳- ترجمه: تا روز قیامت و آنگاه که به قیامت و رستاخیز فرمان داده شوند، بخواب.

۴- ترجمه: تا روز قیامت و روزی که نصاب‌ها کامل خواهد شد، بخواب.

عبارات و ترکیبات

در این بخش تلمیحاتی قرار می‌گیرند که به صورت ترکیبند. این ترکیبات می‌تواند به صورت موصوف و صفت، مضاف و مضاف‌الیه، جار و مجرور و... باشد. جواهری نیز از ترکیبات قرآنی بهره فراوان برده است. از جمله:

«الشَّرَابُ الطَّهْرُ» در بیت زیر

هَذَا لِكَأَحْيَا الشَّرَابِ الطَّهْرُ تَرَاوَحُ بَيْنَ الْحِصَى وَالصُّخْرَى^۱

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۱۴۲)

برگرفته از آیه ۲۱ سوره انسان است که خداوند می‌فرماید: «... وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا».

«حبله مسد» مورد دیگری است که شاعر با در نظر داشتن آیه ۵ سوره مسد یعنی «فی

جِدِّهَا حَبْلٌ مِنْ مَّسَدٍ» در ابیات زیر به کار برده است:

وَلَا تَلْذُبْ بِنَعْلَاتٍ مُسْوَفَةٍ وَلَا يُكْتَفُّكَ صَبِيرٌ حَبْلُهُ مَسَدٌ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۳۵۱)

وَكَابُوسٌ أَعْلَى مَهَلٍ يُلْفُ حِيَالَهُ مَسَدًا^۳

(دیوان الجواهری: ج ۵ / ۲۱۳)

عبارت «مِنْ كُلِّ فَجٍّ» بر گرفته از ۲۷ سوره حج، عبارت قرآنی دیگری است که شاعر در

سروده‌هایش به کار برده است:

تَلْوُذُ الْوَفْدِ بِسَاحِيكُمَا وَتَأْتِيهِ مِنْ كُلِّ فَجٍّ زُمَرٌ^۴

۱- ترجمه: جایی است که شرابی پاک، و پاکیزه از میان ریگ‌ها و شن و ماسه‌های صخره‌ها بیرون می‌آید.

۲- ترجمه: به چیزهای بی‌فایده و بی‌اساس مشغول نشو، و صبری که ایمان آن بافته شده است، دو دست تو را از پشت نیندد.

۳- ترجمه: و کابوس آرام که ریسمان‌های آن به صورت بافته شده به هم پیچیده شده باشند.

۴- ترجمه: جمعیت‌ها، همگی به شما پناه می‌آورند و از راه‌های دور، گروه گروه به سمت او می‌آیند.

(دیوان الجواهری، ج ۲ / آیه ۱۳۹)

يَا أَيُّهَا الْعَوَاصِ مِنْ كُلِّ فِجْ جُمِعَتْ فِي نِظَامِ عَقْدٍ قَرِيدٍ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۷۳)

خداوند در آیه ۱۵ سوره الرحمن می‌فرماید: «وَحَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ». جواهری به

زیبایی عبارت «مارج من نار» را از این آیه گرفته و در سروده زیبای خود به کار برده است:

خَبْرٌ وَ لَيْسَ كَسَائِرِ الْأَخْبَارِ حَصَبُ الْبِلَادِ بِمَارِجٍ مِنْ نَارٍ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۲ / ۳۵۴)

عبارت «التقى الجمعان» که در بیت زیر دیده می‌شود برگرفته از آیات ۱۵۵ و ۱۶۶ سوره آل

عمران و نیز آیه ۴۱ سوره انفال می‌باشد:

وَلَمَّا تَقَى الْجَمْعَانِ غَلَبَ أَشَاوسٌ وَ دَهَتْ مَثَلَهَا شُوسًا مُدْجِجَةً غَلَبًا^۳

(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۶۷)

شاعر در تشبیه زیبای زیر ترکیب «طَلَعُ الشَّيَاطِينِ» را از آیه ۶۵ سوره صفات، یعنی «طَلَعُهَا

كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ» گرفته و گفته:

وَفِي الْخَلِيجِ أَسَاطِيلٌ مَدَاخِنُهَا طَلَعُ الشَّيَاطِينِ عَلَى رَيْثٍ يُحْتَصَدُ^۴

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۳۶۷)

در سروده‌ای از جواهری می‌خوانیم:

۱- ترجمه: ای مرواریدهای غلطان که از اعمال گردآوردی شده و در یک گردنبنندی بی‌نظیر و یکتا گرد هم آمده‌اید.

۲- ترجمه: خبری که مانند سایر اخبار نیست، خبری که زمین را با آتش گداخته، شعله باران نمود.

۳- ترجمه: آن‌گاه که دو گروه به هم رسیدند، با گوشه چشم و به چشم به هم می‌نگریستند، و او نیز همین ویژگی‌ها را داشت.

۴- ترجمه: در خلیج ناوهای جنگی وجود دارند که دودکش آن‌ها مانند سرهای شیاطین در لحظه چیده شدن است.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری ❏ ۶۷

سَرَفِي جَهَادِكْ، عَلَّ جُدُوَّةَ قَابِسٍ مِنْ «طُور سَيْنَا» تَقْبِسُ الصَّحْرَاءَ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۱۶)

که شاعر در مصرع دوم ترکیب «طُور سَيْنَا» را به کار برده که تلمیحی است به آیه ۲ سوره تین و آیه ۲۰ سوره مؤمنون. «الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى» ترکیب قرآنی است که شاعر با تلمیح به آیه ۲۵۶ سوره بقره آیه ۲۲ سوره لقمان در ابیات زیر به زیبایی به کار برده است:

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى! إِذَا إِسْتَيْقَظَتْ تَوَدُّنُ بِانْقِصَامِ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۷۶)

نُكِرُوا لِوِاسْتَعْلَى لِمَا إِسْتَعَلَّتْ يَدُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَهَا إِسْتَعْصَمِ^۳

(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۲۷۹)

دیگر ترکیبات به کار رفته در اشعار جواهری عبارتند از: «شدید القوی، فَلَا تُبْقَى وَلَا تَذَرِ، إِنَّا إِلَى اللَّهِ، يُصَعِّرُ، لم يلد و لم يولد، هَمَّازٍ وَ مَسَاءٍ، عَلَى النَّفَّاتَةِ الْعُقَدِ، المفر، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبُّ، خَفَضَ جَنَاحَكَ، الشَّرَابُ الطَّهْرُ، سَمَّ خِيَاطٍ، لَا تُبْقَى وَلَا تَذَرِ، مِنْ كُلِّ فَجٍّ، لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ، سمان و عجاج (عجیف)، دنت منک القطوف، السماء دخان، هل من مزید، الْمَالُ وَالْبَنُونَ، رمیم و عظام، ركباً و الأُسرى، رب السجن احب، سُبْحَانَ الَّذِي أُسْرِي، رتل و بیوت، الظَّنُّ أثم، طُور سَيْنَا، لَا يَكَادُ بَيْنَهُ، سَمَاءٌ تَمُورُ، تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، وسواس خناس، قَدْ بَلَّغْتُ الْعَتِيَّا، غير ممنون، زقوم و غسلین، الْمُهْطِعِينَ، زُخْرُفُهَا وَ أَرِيَّتْ، وسواس خناس، أَعْصِرُ خَمْرًا وَ...».

۱- ترجمه: بر جهاد و تلاش خود ادامه بده، شاید در پرتو قسمتی از نوری که از طور سینا می‌آید، با آن صحرائی ظلمت را روشن کنی.

۲- ترجمه: اگر از خواب بیدار شوی، در خواهی یافت که آن دستگیره محکم، خیر از جدایی و از هم گسیختگی می‌دهد.

۳- ترجمه: ناشناسی که اگر پیروز شود دیگر هیچ دستی به آن دستگیره محکم که پناه می‌دهد دست نخواهد یافت.

استفاده لفظی یا مستقیم

تلمیحاتی است که شاعر در آن لفظ و مفردات مربوط به آیات را به صورت لفظی به کار برده است. تلمیحات لفظی قرآنی در اشعار جواهری بسیار زیاد است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

يا اِبْنِ الْاِذِينَ تَنْزَلْتَ بِيُوْتِهِمْ سُورَةُ الْكِتَابِ فَتُلْتِ تَرْتِيلاً^۱

(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۲۴۵)

در مصرع اول این بیت واژه «بیوت» و در مصرع دوم بیت عبارت «رتلت ترتیلاً» دیده می‌شود. شاعر بیوت را از آیه ۳۶ سوره نور و عبارت مصرع دوم را از آیه ۳۲ سوره فرقان و آیه ۴ سوره مزمل لفظاً گرفته است.

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى» که در مصرع دوم بیت زیر آمده لفظاً از آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...» آیه ۱ سوره اسراء گرفته شده است.

وَأَسْرَيْنَا وَمَا نَسْرَى فَسُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى^۲

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۱۶۷)

هم‌چنین مصرع دوم بیت زیر تلمیح دارد به داستان حضرت یوسف و شاعر «رَبَّ السَّجْنِ أَحَبُّ» لفظاً از آیه ۳۳ سوره یوسف گرفته است.

قُلْتُ وَالسَّجْنُ كَرِيْهُهُ: «رَبَّ السَّجْنِ أَحَبُّ»^۳

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۳۱)

و یا در بیت

۱- ترجمه: ای فرزند خاندانی که آیات وحی را در منزل آن‌ها نازل شده و به ترتیل خوانده شد.

۲- ترجمه: شب را پیمودیم، حال آنکه چیزی نمی‌دانستیم پس سپاس خدای را که شب ...

۳- ترجمه: در حالی که زندان ناراحت بود، گفتیم: زندانبان برای من دوست داشتنی است.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری ❏ ۶۹

كَأَنَّ السَّمَاءَ عَجَاجٌ يَثُورُ كَأَنَّ الْبُحُورَ سَمَاءً تَمُورُ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۲۰۷)

شاعر لفظ «سَمَاء» و «تَمُور» در مصرع دوم را از آیه ۹ سوره طور و آیه ۱۶ سوره ملک اقتباس نموده است. هم‌چنین است عبارت «الظَّنُّ اِثْمٌ» در بیت زیر که از لفظ «الظَّنُّ اِثْمٌ» برگرفته از آیه ۱۲ سوره حجرات است که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...».

تُظَنُّ زَعَانِفٌ وَالظَّنُّ اِثْمٌ بِأَنِّي لَا أَرَامِي مَن رَمَانِي^۲

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۹۹)

جواهری برای نشان دادن شوق و اشتیاق خود، «هل من مزید» را که در آیه ۳۰ سوره ق آمده عیناً در بیت زیر تکرار نموده است:

لِي فُوَادٌ فِيكُمْ إِنْ سُعِرَا بِلَطِي الشُّوقِ يُقَلُّ: هَلْ مِنْ مَزِيدٍ^۳

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۷۶)

وَتَبَعَتْ حَتَّى رَمِيمِ الْقُبُورِ وَيَجْمَعُ حَتَّى عِظَامِ الطُّيُورِ^۴

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۱۴۵)

جواهری در نمونه بالا واژه «رمیم» را از آیه: «... قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ» (سوره یس / آیه ۷۸) و لفظ «عظام» را از آیه: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ» (سوره قیامت / آیه ۳) گرفته است و این بیت شاعر

۱- ترجمه: گویی که آسمان غباری برانگیخته شده و دریاها نیز آسمانی جوشان و خروشان هستند.

۲- ترجمه: همانا زعانف گمان می‌کردند که هر کس به من سنگ اندازد، جواب او را نخواهم داد، و این گمان باطل و گناه است.

۳- ترجمه: دلی دارم که اگر در کوره شوق و عشق شما گذاخته شود، همواره فریاد می‌زند: آیا زیادتی هست؟

۴- ترجمه: و همه چیز حتی گورهای متلاشی شده را برانگیزد و تا استخوان پرنندگان را گرد آورد.

۷۰۰ زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمد مهدی جواهری

فَوَاتِكْ كَمْ مَيَّلْنَ مِنْ قَدْرِ مُعْجَبٍ كَمَا مَيَّلَ الْخَدَّ الْمُصْعَرَّ، صَافِعٍ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۰۴)

اشاره‌ای است به آیه ۱۸، سوره لقمان: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَسْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...» که جواهری عبارت «الْخَدَّ الْمُصْعَرَّ» را از آیه فوق أخذ کرده است. هم‌چنین جواهری واژه «ذوالنون» در بیت زیر را از آیه آیه ۸۷ سوره انبیاء گرفته است.

الضَّارِعِينَ لِأَقْدَارٍ تُجِلُّ بِهِمْ كَمَا تَلَوَّى بِبَطْنِ الْخُوتِ ذُو النُّونِ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۰۴)

استفاده معنایی یا غیر مستقیم

در استفاده معنایی دیگر لفظ به کار نمی‌رود، بلکه برداشت خود از آیه را به صورت غیر مستقیم به کار می‌برد که نمونه‌هایی از این شیوه در شعر جواهری آورده می‌شود:

یکی از مضامین ارزشمند قرآن مسأله رزاق بودن پروردگار و ایمان به این امر است که شاعر مسلمان عراقی در این بیت با توجه به معنای آیات ۳۲ سوره زخرف، آیه ۳۱ سوره اسراء و آیه ۲۶ سوره رعد به رزاق بودن خداوند اشاره می‌کند.

مِمَّ التَّعْجُبُ صَاحِبِي وَإِنَّمَا قَسَمَ الْخُطَّوْطُ مَقْسَمُ الْأَرْزَاقِ^۳

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۳۰)

وحدت و یگانگی خداوند از مواردی است که جواهری معنای آن را در اشعار خود به کار

برده است. او در معنای بیت زیر:

۱- ترجمه: حوادث و عوامل باز دارنده، چه اندازه می‌توانند از مقدرات شگفت‌انگیز جلوه‌گیری نمایند، آن‌چنان‌که سیلی می‌تواند چهره انسان‌های مغرور را برگرداند.

۲- ترجمه: کسانی که به خاطر قضا و قدری که به آن‌ها رسیده است و ناتوان شده‌اند، همانند ذوالنون که در شکم ماهی به خود پیچیده و ناتوان شده بود.

۳- ترجمه: ای دوستان من، از چه تعجب می‌کنید، در حالی‌که خداوند روزی‌رسان، روزی و بهره را در بین بندگانش عادلانه تقسیم کرده است.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری ❏ ۷۱

وَمَا هُوَ إِلَّا وَاحِدٌ فِي جَمِيعِهِ وَإِنْ رَجَمَ الْفَاوِيَّ وَسَاءَتْ ظُنُونُهُ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۰۷)

به آیه ۱۷۱ سوره نساء، آیه ۷۳ سوره مائده و آیه ۵۱ سوره نحل توجه داشته است.

هم‌چنین شاعر در بیت

فَلَمَّا دَتُونَا وَانْجَلَى ضَوْءَ بَارِقٍ مِنْ الْحِقِّ، جَلَى الظَّنُّ وَالظَّنُّ فَاسِيدٌ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۰۲)

به آشکار شدن حقایق هنگام مرگ اشاره کرده که برداشتی است از معنای آیه ۲۲ سوره ق، «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ».

شاعر در بیتی به صفت زشت انسان‌های منافق اشاره می‌کند که در ظاهر اظهار دوستی و

محبت می‌کنند؛ ولی در باطنشان چیزی جز کینه و نفرت و دشمنی ندارند و می‌گوید:

ضَحَاكَةُ النَّعْرِ بُهْتَانًا وَحَامِلَةٌ فِي الصَّدرِ لِلشَّرِّ أَوْ لِلْبُؤْسِ تَيْنَانًا^۳

(دیوان الجواهری، ج ۲ / ۳۵۸)

که این سروده جواهری برداشتی معنایی است از آیه سوره بقره ۲۰۴ و یا معنای بیت زیر نیز

برگرفته از آیه ۱۱ سوره قیامت است که شاعر در آن به گریزناپذیری از مرگ اشاره کرده است:

وَمِمَّا يُهْمُونَ وَقَعَ الْجَمَامِ أَنْ لَيْسَ لِلْمَرِيءِ مِنْهُ مَقَرُّ^۴

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۴۷)

۱- ترجمه: و او خدایی نیست مگر این‌که در میان جمع یکتا و یگانه است، هر چند انسان گمراه، گمان‌های بیهوده و شک کند.

۲- ترجمه: پس هرگاه نزدیک شدیم و نور گذرنده‌ای از جانب حق روشنایی گرفت، گمان و شک‌ها از بین رفت، همانا گمان و شک فاسد و از بین رفتنی است.

۳- ترجمه: دهان او، به دروغ و نفاق با خنده مصنوعی می‌خندد در حالی‌که دل او حامل و دربرگیرنده شر و بدبختی است.

۴- ترجمه: آنچه که مرگ را برای انسان آسان‌تر می‌نماید، این است که از مرگ هیچ گریزی نیست.

۷۲▣▣▣ زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری

در داستان حضرت آدم (ع) خداوند از آن حضرت خواست که به درخت ممنوعه نزدیک نشود، ولی شیطان باعث لغزش او، رانده شدن آدم و حوا از بهشت شد. خداوند در این باره در قرآن می‌فرماید: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكِلَا مِنْهَا رِغْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ، فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ»^۱. جواهری معنای این آیه را در ابیات زیر به کار برده و گفته:

أَعْنَدَكَ عِلْمٌ، أَنْبَى مِنْ مَعَاثِرٍ أَبُوهُمْ جَنَى وَاخْتَارَ أَدْنَى الْمَسَالِكِ
هُمُ إِلَهِي شَرُّ الْمَهَالِكِ، آدَمٌ فَهُمْ أَبْرِيَاءُ حَمَلُوا وَزَرَ هَالِكِ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۱۹)

یا مضمون صبر و تحمل در بیت زیر برداشتی معنایی است از آیه ۲۴ سوره رعد و آیه ۳۵ سوره احقاف.

فَلَا تَجْزَعَنَّ، نَعِمَ عُقْبَى الْفَتَى تُحَمَّلُ مَا لَا يَطِيقُ فَاصْطَبِرِ^۳

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۴۵)

زیبایی‌شناسی تلمیح در اشعار جواهری

تلمیح از آرایه‌هایی است که در زیباتر و برجسته‌تر نمودن یک اثر ادبی به ویژه شعر نقش بسزایی دارد. این آرایه اگر با حوزه‌های دیگر ادبی مرتبط شوند و پیوند برقرار کند، جذابیت و

۱- آیه ۳۶ - ۳۵ سوره بقره.

۲- ترجمه: هیچ میدانی که من از گروهی هستم که پدرانش جنایت کردد و پست ترین مسلک‌ها را انتخاب کردند. آدم آن‌ها را به پست ترین مهالک انداخت، پس آنان بی گناهند و گناه هلاکت شده دیگری را به دوش می‌کشند.

۳- ترجمه: گریه و آه و زاری نکن. عاقبت بخیری جوان، در تحمل امور سخت و دشوار است. پس تو نیز صبر پیشه کن.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری □ ۷۳

تأثیرپذیری آن در خواننده را چند برابر می‌کند. جواهری با آگاهی از این موضوع با تلفیق و پیوند تلمیحات قرآنی خود با آرایه‌های بدیعی و بیانی، بر زیبایی سروده‌هایش افزوده است.

پیوند تلمیح با آرایه‌های بدیعی

در این نوع شاعر تلمیح را با آرایه‌های ادبی بدیعی تلفیق می‌کند. آرایه‌هایی چون جناس، مراعات‌النظیر، تکرار، تضاد و... به عنوان نمونه در بیت زیر از جلد چهارم دیوان جواهری شاعر در به کار بردن عبارت «لایبقی و لا یذر» به قرآن نظر داشته است و در ضمن بین «بقی» و «بقیا» جناس اشتقاق وجود دارد.

تَرْجُوْ عَلٰی نَفْسِهَا الْبَقِيَا وَيُفْرِجُهَا مَن لَّا يَبْقٰى عَلٰى شَيْءٍ وَلَا يَذَرُ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۳۳۵)

هم‌چنین در این بیت

فَلَمَّا دَوْنَا وَانْجَلٰى ضَوْءٌ بَارِقٍ مِّنَ الْحَقِّ، جَلٰى الظَّنُّ وَالظَّنُّ فَاسِدٌ

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۰۲)

شاعر ضمن تکرار واژه «ظن» آن را از آیه ۱۲ سوره حجرات گرفته که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...». یا تکرار در واژه‌های «خفی» و «یُبیین» که برگرفته از آیات قرآنی است، در بیت زیر از این نمونه به شمار می‌آید.

يُبَيِّنُ لَهُ السَّرُّ الْخَفِيُّ إِذَا خَفِيَ عَلٰى غَيْرِهِ مَا لَا يَكَادُ يُبَيِّنُهُ؟^۲

(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۰۸)

از دیگر آرایه‌های بدیعی به کار رفته در تلمیحات قرآنی جواهری مراعات‌النظیر است که نمونه آن در بیت زیر مشاهده می‌شود:

۱- ترجمه: آن زن، که خود هیچ چیز را بر جای نگذاشته و همه را نابود می‌کند، برای خود جاودانگی و شادی می‌طلبد.
۲- ترجمه: رازهای مخفی که برای دیگران مخفی و پنهان است، برای او آشکار و روشن است. که گویی اساساً راز پنهان نبوده است.

۷۴ زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمد مهدی جواهری

كَأَنَّ السَّمَاءَ عَجَاجٌ يَثُورُ كَأَنَّ الْبُحُورَ سَمَاءً تَمُورُ^۱

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۲۰۷)

شاعر عبارت «سَمَاءُ تَمُور» را از آیه ۹ سوره طور، آیه ۱۶ سوره ملک و آیه ۲۲ سوره بقره اقتباس نموده است و شاعر به زیبایی بین «سَمَاء» و «بُحُور» مراعات النظیر ایجاد کرده است. تضادها نیز بر زیبایی تلمیحات قرآنی جواهری افزوده است. شاعر در بیت زیر میان «سیئات» و «حسنات» و حتی میان «خیر» و «شر» تضاد ایجاد کرده است تا با کمک این تضاد صفت جوانمردان را برجسته‌تر نشان دهد.

رُدُّوا لِخَيْرٍ شَرِّهَا إِنَّ الْفِتْنَى بِالسَّيِّئَاتِ يَرُدُّ لِلْحَسَنَاتِ^۲

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۳۵۱)

ضمن این که بیت به آیه ۷۰ سوره فرقان، آیه ۴۰ سوره شوری و آیه ۶۰ سوره الرحمن اشاره دارد.

پیوند تلمیح با آرایه‌های بیانی

در این نوع تلمیحات قرآنی شاعر با آرایه‌های بیانی و صور خیال تلفیق می‌شود که نمونه‌هایی از اشعار جواهری آورده می‌شود:

نَامِي فَمَا السَّدُّيَا سِيَوِي جِسْرٍ عَلَي نَكْدٍ مُقَام^۳

(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۷۵)

در بیت فوق شاعر به فناپذیری دنیا و پایداری آخرت اشاره می‌کند. او دنیا را به پلی تشبیه می‌کند که ستون‌ها و پایه‌های آن، متزلزل است. این بیت تلمیحی است به آیه ۳۹ سوره غافر و آیه ۳۶ سوره محمد و یا در بیت زیر:

۱- ترجمه: گویی که آسمان غباری برانگیخته شده و دریاها نیز آسمانی جوشان و خروشان هستند.

۲- ترجمه: بدی آن‌ها را به خوبی پاسخ گفتند، همانا جوانمرد کسی است که بدی‌ها را با خوبی پاسخ گوید.

۳- ترجمه: بخواب که دنیا جزء پلی نیست که بر سختی‌ها و بدی‌ها افراشته شده باشد.

زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری □ ۷۵

وَكَابُوسًا عَلٰى مَهْلِكٍ يَلْبَسُهُ حِيَالًا مَسَدًا

(دیوان الجواهری: ج ۵ / ۲۱۳)

شاعر در تشبیهی زیبا کابوس را به حباله مسد مانند کرده است. شاعر این عبارت را از آیه «فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ» (سوره مسد / آیه ۵) اخذ کرده است.

و یا در جایی دیگر به زیبایی از آرایه کنایه برای رساندن مفهوم شعر استفاده می‌کند. آنجا که می‌گوید:

خَفَّضَ جَنَاحَكَ لَاتَهْرَأَ بِعَاصِفَةٍ طَوَى لَهَا النَّسْرُ كَشَحِيهِ فَلَمَّ يَطْرِئُ

(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۳۱۱)

خَفَّضَ جَنَاحَكَ یعنی دو بال را بند که کنایه است از تواضع کردن. جواهری عبارت «خَفَّضَ جَنَاحَكَ» را از آیه ۲۴ سوره اسراء گرفته است.

۱. ترجمه: و کابوس آرام که ریسمان‌های آن به صورت بافته شده به هم پیچیده شده باشند.

۲. ترجمه: دو بال را بند و طوفان را مسخره نکن که عقاب در برابر آن بال‌هایش را بسته و پرواز نکرده است.

نتیجه

در این پژوهش تلمیحات قرآنی در اشعار محمد مهدی جواهری مورد بررسی قرار گرفت و نتایج را در پی داشت:

محمد مهدی جواهری سخت با قرآن مأنوس بوده و موج مفاهیم اسلامی به ویژه جلوه‌گری آیات و مفاهیم قرآن کریم به صورت تلمیحات در اشعار وی کاملاً مشهود است. کمتر قصیده‌ای از قصاید طولانی او خالی از تأثیرات قرآن است. جواهری در اشعار خود از قرآن به صورت تلمیح از شخصیت‌ها و حوادث و اندیشه‌های قرآنی، مفردات و ترکیبات قرآنی بهره گرفته است.

ارزش هر متن یا گفتمان تنها در ارتباط گفتمان‌های دیگر شناخته می‌شود؛ بنا بر این با اندکی تأمل و تعمق در آثار جواهری به نظر می‌رسد که بسیاری از مضامین و الفاظ را از قرآن کریم الهام گرفته، و به رشته نظم درآورده؛ بنا بر این ارتباط بسیار تنگاتنگی بین قرآن و اشعار جواهری وجود دارد، و بینامتنی در اکثر موارد آگاهانه، و با کمترین تحویل در معانی و الفاظ صورت گرفته است.

شاعر در استفاده از تلمیحات قرآنی از دو شیوه لفظی (مستقیم) با کمک الفاظ و واژگان و معنایی (غیر مستقیم) به وسیله استفاده نموده است. هم‌چنین جواهری با پیوند تلمیح با آرایه‌های بدیعی و بیانی سروده‌هایش را زیباتر، برجسته‌تر و جذاب‌تر نموده است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن منظور، محمدبن مکرم. لسان العرب. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- ۳- پرین، لارنس. درباره شعر. ترجمه فاطمه راکعی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳.
- ۴- تفتازانی، مسعود بن عمر. کتاب‌المطول. بهامشه حاشیه السید میر شریف، قم: مکتبه الداوری، بی‌تا.
- ۵- الجواهری، محمد مهدی. الجواهری فی العیون من اشعاره. دمشق: دار طلاس، ۱۹۷۲م.
- ۶- الجواهری، محمد مهدی. دیوان الجواهری. طبعه الثانی، بغداد: دار الحریه، ۲۰۰۸م.
- ۷- خطیب قزوینی، جلال‌الدین محمد بن عبدالرحمن بن عمر بن احمد بن محمد. الايضاح فی علوم البلاغه المعانی و البیان و البدیع. وضع حواشیه ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۲۵.
- ۹- راستگو، سید محمد. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت، ۱۳۷۶.
- ۱۰- عباس‌زاده، حمید، «اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال یکم، شماره ۱، ۱۸۱، بهار، ۱۳۸۹.
- ۱۱- العریس، ابراهیم. ذاکرة القرن العشرين، رحیل الشاعر العراقي محمد مهدی الجواهری. جریده الحیاة، العدد ۱۲۹۲۸، تاریخ النشر: ۷/۲۷/۱۹۹۸، ۱۹۹۸م.
- ۱۲- العطیه، جلیل. الجواهری. شاعر من القرن العشرين. الطبعه الاولی، بیروت: منشورات جمل، ۱۹۹۸م.
- ۱۳- علوی، یحیی بن حمزه. الطراز المتضمن لأسرار البلاغه و علوم حقایق الایجاز. قاهره، ۱۳۳۲ق.
- ۱۴- محبوبه، جعفر. ماضی النجف و حاضرها، الطبعه الثانی. بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزی، ۱۹۸۶م.
- ۱۵- مرادیان قبادی، علی‌اکبر و همکاران، «بازتاب داستان قرآنی حضرت موسی (ع) در اشعار محمد مهدی جواهری»، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال دوم، شماره اول، پیاپی سوم، بهار و تابستان، ۱۱۳-۱۳۸، ۱۳۹۴.
- ۱۶- مطلوب، احمد. معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها. الجزء الثانی، بی‌جا: مطبعه المجمع العلمی العراقي، ۱۴۰۶ق.

۷۸ زیبایی‌شناسی تلمیحات قرآنی در سروده‌های محمدمهدی جواهری

- ۱۷- الموافی، محمّد عبد العزیز. الجواهری آخر الفحول. الطبعة الاولى، قاهره: دار الغریب، ۲۰۰۷م.
- ۱۸- می‌شال، خلیل حجا. الشعر العربی الحدیث. من أحمد شوقی إلى محمود درویش، الطبعة الاولى، بیروت: دار العوده و دار الثقافة، ۱۹۹۹م.
- ۱۹- وحیدیان کامیار، تقی. بدیع. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۲۰- یحیی، فرحان. أزمة المواطنة فی شعر الجواهری. الطبعة الاولى، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب، ۲۰۰۱م.